

□♦با یک جامعه فاشیستی چه می‌توان کرد؟

□♦امین بزرگیان

پژوهشگر دپارتمان مردم‌شناسی دانشگاه نیس فرانسه

سبر اساس نظر سنجی اخیر روزنامه اسرائیلی ها ارتص، هشتاد و دو درصد از یهودیان اسرائیلی از پاکسازی غزه حمایت می‌کنند، و شصت و پنج درصد خواهان قتل عام همه مردان زنان و کودکان فلسطینی هستند.

شاید روشن باشد که با یک دولت فاشیستی چه باید کرد، اما با یک جامعه فاشیستی چه می‌توان کرد؟ آنها جامعه‌ای که مدام بر بستر این ادعا قرار گرفته است که تنها دموکراسی منطقه است؟

برخلاف گفتمان رایج حقوق بشر که جنایت اسرائیل را محدود به دولت، و از آن دهشتناکتر محدود به دولت راست‌گرای نتانیاو تصویر می‌کند، دیگر جای تردیدی باقی نمانده که ما با یک جامعه و دولت فاشیستی روبرو هستیم؛ تا جایی که می‌توانیم به صراحت اعلام کنیم که اسرائیل بزرگترین دولت-ملت فاشیستی (نه تنها منطقه که) دوران ماست.

پاسخ به این سوال که با چنین دولت-ملتی چه باید کرد، ساده نیست. در نظم مدرن تنها موردی که حمله نظامی در آن توجیه قانونی و حقوقی شده، چنین وضعیتی است. حمله نظامی به آلمان نازی، بطوری که تمام شهرهای آن مورد حمله جبهه متفقین قرار گرفت، با این اصل حقوقی موجه شد که ما نه فقط با هیتلر بلکه با ساختار اجتماعی و فرهنگی فاشیستی روبرو هستیم؛ اما حال طرف مقابل بزرگترین متحد آمریکا و محصول خود نظم جهانی است.

پس از جنگ دوم گمان بر این بود که نظم ساختاری دموکراتیک و نهادینه شدن آزادی راه جلوگیری از فاشیسم است؛ اما امروزه به وضوح روشن شده که نه فقط در اسرائیل، بلکه در اقصی نقاط جهان، ساختار دموکراتیک لزوماً سازنده انسان معمولی هم نیست چه برسد به رویای انسان و جامعه اخلاقی، مدرن و دموکراتیک.

اینجاست که آنچه آدورنو و هورکهایمر در کتاب دیالکتیک روشنگری پیش کشیدند، طنین تازه‌ای می‌یابد. آنها چندی پس از سقوط نازیسم نوشتند که فاشیسم را باید محصول نظم سرمایه‌داری دانست. فاشیسم، حاصل همان عقلانیت سرد و سلطه‌جوی مدرن است، نه صرفاً بازگشت به بربریت یا جنون فردی. برای آن‌ها، آشویتس نتیجه‌ی عقل مدرن بدون اخلاق است – نه انحراف از عقل، بلکه محصول «عقل ابزاری ناب.»

در دنیایی که فرهنگ به کالا تبدیل شده است، تمامی عناصر فرهنگی از موسیقی گرفته تا خود انتخابات و حزب تبدیل به ابزاری برای یکدست‌سازی، انفعال، و کنترل ذهنی مردم می‌شوند.

در این فضای انفعال فرهنگی، انسان‌ها دیگر اهل تفکر و مقاومت نیستند، فقط مصرف می‌کنند، سرگرم می‌شوند، و آماده پذیرش قدرت‌های توتالیتار می‌گردند. این نوع جامعه، حتی درون یک نظم صوری دموکراتیک به‌سادگی می‌تواند به فاشیسم تن دهد.